

تحلیل عامل تاییدی بر نسخه‌ی فارسی مقیاس پیوند والدینی پارکر

بهناز بهزادی^۱، سیروس سروقده^۲، سیامک سامانی^۳

چکیده

ابزارهای متعددی برای سنجش جوانب مختلف خانواده طراحی شده که هر کدام از این ابزارها ابعاد متفاوتی را مورد بررسی قرار می‌دهند. از آنجایی که ابزار واحدی برای سنجش تمام ابعاد خانواده وجود ندارد، از این رو بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه‌های خانواده، به منظور استفاده در پژوهش‌ها، نقش مهمی در پژوهش‌های با محوریت خانواده ایفا می‌کند. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل دانش‌آموزان دبیرستانی پایه‌های سوم و پیش‌دانشگاهی شهر شیراز و نمونه‌ی مورد مطالعه شامل ۳۴۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۷۰ دختر و ۱۷۰ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، نسخه فارسی پرسشنامه پیوند والدینی پارکر (PBI) بوده است. در این پژوهش ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه پیوند والدینی پارکر به وسیله‌ی تحلیل عامل تاییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی از وضعیت محتوایی چهار عاملی حمایت کرده و پس از انجام اعتبار همگرا، بررسی‌ها نشان می‌دهد که پرسشنامه‌ی پیوند والدینی پایایی و اعتبار مطلوبی برای انجام پژوهش‌های روانشناختی را داراست و از آن می‌توان در پژوهش‌ها، خانواده‌درمانی و بهبود روابط خانواده استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی:

اعتباریابی، پیوند والدینی، تحلیل عامل تاییدی، خانواده، روانسنجی.

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران.

۳- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران و عضو قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، behzadi1987@gmail.com

مقدمه

کودکان در خلأ رشد نمی‌کنند. رشد آنها در بافت خانواده، محله، جامعه، کشور و جهان صورت می‌گیرد. در این بافت، آنها تحت تأثیر والدین، خواهران و برادران، سایر منسوبین، دوستان، هم‌تایان و سایر بزرگسالانی که در تماس با آنان قرار می‌گیرند، هستند. در میان تمام عوامل اجتماعی-اقتصادی اثرگذار در رشد کودک، هنوز هم خانواده انتقال‌دهنده‌ی اصلی ارزش‌ها، اصول اخلاقی، آرمان‌ها، عادت‌ها و شیوه‌های تفکر و عمل به‌شمار می‌آید(رایس^۱، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). خانواده از طریق گفتگو و سرمشق دهی به شخصیت کودک شکل می‌دهد و شیوه‌های فکری و روش‌های عملی‌ای که به عادت تبدیل می‌شوند را در او القا می‌کند(کوچابسکا^۲، ۱۹۹۰، به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷).

تقریباً همه‌ی والدین قطعاً یا تلویحاً می‌دانند که فرزندان‌شان را چگونه می‌خواهند تربیت کنند، یعنی می‌دانند کدام دانش، ارزش‌های اخلاقی و الگوهای رفتاری برای رشد فرزندان مناسب است. والدین به هنگام تلاش برای رسیدن به آرمان‌های خود از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند، زیرا روش‌های مختلف برای مقاصد مختلف سودمند است(ماسن^۳، ترجمه یاسایی، ۱۳۸۵). با افزایش تعداد زنان متأهل شاغل در خارج از خانه، عدالت حکم می‌کند که شوهران در کارهای خانه و مراقبت از کودک مسئولیت بیشتری را بر عهده گیرند(اتکینسون^۴ و بلاکولدر^۵، ۱۹۹۳؛ به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). مشارکت پدران نه تنها عادلانه است، بلکه فواید دیگری نیز دارد. وقتی هر دو والد به‌صورت مشترک قبول مسئولیت می‌کنند، رابطه‌ی زن و شوهر بهتر می‌شود، سلامت و رفاه زن افزایش می‌یابد و فرزندان نیز از بهبود کیفیت رابطه‌ی والد-کودک منتفع می‌شوند. مردان وقتی می‌توانند تأثیر بر رشد فرزندان خود بگذارند که فعالانه در فعالیت‌های مستقیم پرورش کودک شرکت کنند(مک‌براید^۶ و رین^۷، ۱۹۹۸؛ به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷).

ارزیابی رفتار در بستر خانواده، این امکان را فراهم می‌کند که منشأ بسیاری از مشکلات رفتاری ایجاد شده در فضای خانواده، کشف و مورد بررسی قرار گیرد. تنوع و پردازش ابزارهای

- 1- Rice
- 2- Kochabska
- 3- Mussen
- 4- Atkinson
- 5- Blackwelder
- 6- Mc Bride
- 7- Rane

سنجش خانواده در جهان و جزئی‌نگری آنها، مانعی برای دسترسی به یک مقیاس جهان‌شمول می‌باشد.

دو مشکل عمده در ارزیابی و سنجش خانواده وجود دارد: اول چارچوب‌های مفهومی متعددی که برای توصیف خانواده ارائه می‌شود، دوم تفاوت ابزارهایی که برای اندازه‌گیری کارکرد خانواده به کار می‌رود. یعنی ابزار واحدی که مورد توافق همگان باشد، برای ارزیابی آن وجود ندارد (کیتنر^۱ و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵).

اگرچه ابزار واحدی وجود ندارد که همه ابعاد خانواده را پوشش دهد، اما تاکنون پرسشنامه‌های متعددی برای سنجش خانواده طراحی و مورد استفاده قرار گرفته است که هر کدام به جنبه‌هایی از خانواده توجه کرده‌اند. مقیاس پیوند والدینی، پرسشنامه‌ای است که بر اساس گزارش افراد، والدین مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در واقع الگوهای تعاملی والدین با فرزندان به وسیله‌ی عواملی مشخص می‌شود. به چند دلیل می‌توان این مقیاس را پرسشنامه‌ای مطلوب برای پژوهش‌ها دانست. اول اینکه پژوهش‌های معتبر زیادی در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف (که در ادامه به آنها اشاره می‌شود) ارتباط این مقیاس را با اختلالات افسردگی، اضطرابی، اسکیزوفرنی و ... و همچنین مشکلات خانوادگی و زناشویی و اجتماعی تأیید کرده‌اند. لذا استفاده از این پرسشنامه در جامعه ما و اتخاذ تصمیمات مناسب در جهت رفع آنها، نتایج قابل توجهی به بار خواهد آورد. دلیل دیگر انتخاب این پرسشنامه این است که تعداد سوال‌های این پرسشنامه (۲۵ سوال برای فرم مادر و ۲۵ سوال برای فرم پدر) نسبت به سایر پرسشنامه‌ها مانند پرسشنامه‌ی کارکرد خانواده (FAD) یک پرسشنامه‌ی ۶۰ سوالی (اپشتاین^۲ و همکاران، ۱۹۸۳؛ به نقل از زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵)، پرسشنامه‌ی عملکرد یک مقیاس ۷۵ گویه‌ای (برنارد بلوم، ۱۹۸۵؛ به نقل از کرمی، ۱۳۸۸) و پرسشنامه‌ی محیط خانواده، پرسشنامه‌ای ۹۷ سوالی (نقاشیان، ۱۳۵۸؛ به نقل از گودرزی و همکاران؛ ۱۳۸۳) کمتر است. در شرایط فعلی که بسیاری از تحقیقات روانشناسی با استفاده از پرسشنامه‌ها انجام می‌شود، برای جلوگیری از اشباع این روش و همچنین دستیابی به اطلاعات قابل اعتماد، بهتر است از مقیاسی استفاده شود که تعداد سوالات کمتری داشته و در عین حال از کیفیت محتوایی خوبی برخوردار باشد که مقیاس پیوند والدینی این ویژگی‌ها را داراست. از طرف دیگر بسیاری از پرسشنامه‌های با زمینه‌ی خانواده که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد، محدوده‌ی سنی بزرگسالان را شامل می‌شود. از آنجا که اکثر مقیاس‌های مورد استفاده به صورت گذشته‌نگر و خودگزارشی هستند، با بالاتر رفتن سن افراد، امکان تحریف خاطرات وجود دارد اما

1- Keitner

2- Epstein

مقیاس پیوند والدینی مقیاسی است که محدوده‌ی سنی خاصی نداشته و حداقل سن در آزمودنی‌ها ۱۶ سال است. از این رو وقتی این پرسشنامه در طیف نوجوانان انجام می‌شود، اطلاعات قابل قبول‌تری با تحریف کمتری به دست می‌آید. دلیل دیگر ارجحیت داشتن مقیاس پیوند والدینی این است که بسیاری از پرسشنامه‌ها برای ارزیابی پدر و مادر فرم مجزایی نداشته و از این رو قابل تفکیک نیستند. به همین علت نمی‌توان در پژوهش‌هایی با محوریت پدر یا مادر، به‌طور جداگانه‌ای از آنها استفاده کرد. اما مقیاس پیوند والدینی به‌صورت دو فرم مجزا (۲۵ سوال برای فرم مادر و ۲۵ سوال برای فرم پدر) طراحی شده که می‌توان از آن به‌طور جداگانه در پژوهش‌ها استفاده کرد.

کودکان به خاطر سرشت‌های متفاوت، به فرزندپروری منحصر به فردی نیاز دارند (برک^۱، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵). بدون شک یکی از تحولات بسیار مهم در حوزه‌ی روانشناسی معاصر، نظریه‌ی دلبستگی^۲ بالبی^۳ است که اهمیت نقش تجارب هیجانی اولیه کودک با مراقب خود را در رشد هیجانی و شناختی فرد برجسته می‌سازد. از نظر بالبی، دلبستگی یکی از نیازهای بنیادین انسان‌ها است (قربانی، ۱۳۸۲). مطابق نظریه‌ی بالبی (۱۹۸۲-۱۹۶۹)، به نقل از رضانی و همکاران (۱۳۸۶)، انسان با یک سیستم روانی-زیستی بنام سیستم رفتار دلبستگی متولد می‌شود. این سیستم، ارزش انطباقی داشته و فرد را به حفظ همبستگی و همجواری با افراد مهم زندگی یا تصاویر دلبستگی-کسانی که کودک می‌تواند در موقعیت‌های تهدیدآمیز نزدیک آنها بماند تا شانس او برای سازش‌یافتگی و بقا افزایش یابد- سوق می‌دهد. هدف این سیستم در کودک، دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت‌شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است (آینسورث^۴، ۱۹۸۹؛ هازن^۵ و شاور^۶، ۱۹۹۴؛ میکولینسر^۷ و شاور، ۲۰۰۵؛ به نقل از رضانی و همکاران، ۱۳۸۶).

به عقیده‌ی بالبی (۱۹۸۰)، به نقل از برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵)، کودکان در نتیجه‌ی تجربیات خود در طول چهار مرحله، پیوند عاطفی با ثباتی با مراقبت‌کننده برقرار می‌کنند که در غیاب والدین می‌توانند از آن به‌عنوان یک پایگاه امن، استفاده کنند. این تصویر ذهنی، الگو یا

-
- 1- Berk
 - 2- Attachment
 - 3- Bowlby
 - 4- Ainsworth
 - 5- Hazan
 - 6- Shaver
 - 7- Mikulincer

راهنمایی برای کلیه‌ی روابط صمیمی در آینده (از کودکی و نوجوانی تا دوران بزرگسالی) می‌شود (برترون^۱، ۱۹۹۲؛ به نقل از برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵).

از نظر بالبی (۱۹۷۳، ۱۹۶۹؛ به نقل از کاپسی^۲ و کوکوکر^۳، ۲۰۰۶) ۴ عامل مهم در رشد دلبستگی در رابطه‌ی کودک و مراقب اولیه وجود دارد:

(۱) نگاه خاص و تمایز یافته به برخی از صور در مقایسه با اشکال و صور دیگر و پایه اشیاء در حال حرکت و تکان خوردن.

(۲) تشخیص دادن قیافه‌های آشنا از غریبه.

(۳) گرایش به نزدیک شدن به آشنا و دور شدن از غریبه.

(۴) پاسخ‌دهی به نتایج، یعنی برخی از نتایج موجب تکرار فرکانس‌های رفتاری می‌گردند و برخی دیگر آن را کاهش می‌دهد.

براساس نظریه‌ی بالبی، اینسورث و همکاران (۱۹۷۸) در بررسی‌های اولیه براساس سبک‌های دلبستگی، سه الگوی دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن-اجتنابی و دلبستگی نایمن-اضطرابی-دوسوگرا شناسایی شد.

شیور و هازان (۱۹۸۸؛ به نقل از سپاه منصور و همکاران، ۱۳۸۶) با بررسی نظریه‌ی دلبستگی در بزرگسالی نشان دادند که سبک‌های دلبستگی مادر-کودک از لحاظ ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری شکل می‌گیرد و عشق بزرگسالی را می‌توان به منزله‌ی مرحله‌ای از دلبستگی به حساب آورد. بزرگسالان ایمن با دیگران احساس صمیمیت و نزدیکی می‌کنند، قادرند به دیگران اعتماد کنند و خود را دوست‌داشتنی و با ارزش بدانند، بالعکس، بزرگسال دوسوگرا، رفتارها و هیجان‌های متغیری نسبت به موضوع دلبستگی دارد و بیش از حد به او وابسته است، اغلب نگران است که ترک شود و بیش از دیگران در عشق شکست می‌خورد. بزرگسال اجتنابی، نسبت به دیگران تعهد کمتری احساس می‌کند و اطرافیان را غیرقابل اعتماد می‌داند؛ اما خود را در برابر دیگران خوب می‌پندارد (کالینز^۴ و رید^۵، ۱۹۹۰؛ به نقل از سپاه منصور و همکاران، ۱۳۸۶).

در واقع این توصیفات نشان‌دهنده این است که بشر از همان زمان تولد آماده‌ی دریافت تجربیات از محیط و بالاخص از والدین خود است و این دریافت تجربیات در کودکی و نوجوانی نیز ادامه می‌یابد. چه بسا که زمینه‌های موفقیت و شکست‌های جبران‌ناپذیر در لابه‌لای همین روابط

- 1- Bretherton
- 2- Kapci
- 3- Kucuker
- 4- Collins
- 5- Reed

والدین و کودک رقم می‌خورد. پس ضرورت ایجاد می‌کند که دوران کودکی و نوجوانی و ارتباط با والدین، به‌طور جزئی‌تر مورد ارزیابی قرار گرفته و تمرکز بیشتری بر نحوه‌ی ارزیابی رفتار والدین از سوی فرزندان صورت گیرد.

پرسشنامه‌ی پیوند والدینی پارکر (PBI)^۱، یکی از اولین پرسشنامه‌هاست که براساس نظریه دل‌بستگی شکل گرفته است. این پرسشنامه، ۳۲ سال پیش به‌عنوان یک پرسشنامه‌ی خودگزارشی طراحی و مورد پژوهش قرار گرفت. ابزار اندازه‌گیری پیوند والدینی برداشت نوجوان از کنترل و توجه والدین را اندازه‌گیری می‌کند (پارکر^۲ و همکاران، ۱۹۷۹).

نمره بالا در مقیاس توجه^۳ به معنی آن است که والدین افرادی همدل، گرم، فهیم و دارای برخوردی دوستانه هستند. آنها معمولاً در کنار نوجوان حضور دارند، با او گفتگو می‌کنند و او را می‌فهمند. از سوی دیگر نمره پایین در این مقیاس نشان می‌دهد که والدین افرادی سرد و طردکننده‌اند، بدون آنکه منشا اثر باشند و توجه کافی به فرزندشان داشته باشند. در یک انتهای مقیاس کنترل^۴، والدین با عباراتی نظیر حمایت‌کننده‌ی افراطی، عامل وابستگی و کودک‌ماندگی و نیز متجاوز و کنترل‌کننده توصیف می‌شوند. در انتهای دیگر طیف، والدین به فرزند خودمختاری می‌دهند. نمره بالا که به معنی کنترل افراطی است، یکی از عوامل خطرآفرین عمده به‌شمار می‌آید. برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که نمره بسیار پایین ممکن است نشانه‌ی بی‌تفاوتی والدین باشد (پارکر، ۱۹۹۰؛ به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷).

از زمان ساخت این پرسشنامه، تحقیقات متعددی در این زمینه صورت گرفته است و نتایج قابل قبولی از لحاظ اعتبار^۵ و پایایی^۶ گزارش شده است. در یک بررسی توسط پارکر و همکاران (۱۹۷۹) در شهر سیدنی استرالیا، اعتبار و پایایی مناسبی برای ابزار پیوند والدینی پارکر گزارش شده است. کازارین^۷ و همکاران (۱۹۸۷)، در پژوهشی با بررسی ساختار عاملی در بین بیماران سرپایی اسکیزوفرنی، نتایج را رضایت‌بخش و همسو با تحقیقات پیشین گزارش کرده‌اند. در مطالعه‌ی دیگری از آریندل^۸ و همکاران (۱۹۸۶) تحت عنوان بررسی کفایت روانسنجی در جمعیت سوئدی، نتایج موفقیت‌آمیزی گزارش شده و هرگونه اثر سن را در بین افراد پیر و جوان در این

1- Parental Bonding Instrument

2- Parker

3- Care

4- Control

5- Validity

6- Reliability

7- Kazarian

8- Arrindel

پرسشنامه را رد کردند. در یک نظر سنجی عمومی در کانبرا (استرالیا) در بررسی ساختار عاملی نتایج به دست آمده را از تمامی نتایجی که تاکنون به وسیله سایر تحقیقات گزارش شده، بالاتر و قابل قبول‌تر گزارش کردند (مکینون^۱ و همکاران، ۱۹۸۹). در بررسی کفایت روانسنجی نسخه‌ی انگلیسی و مقایسه‌ی آن در جمعیت هلندی این پرسشنامه را با اعتبار و پایایی قابل قبولی ارزیابی کردند (آریندل و همکاران، ۱۹۸۹). در بررسی اعتباریابی نسخه ژاپنی، ساختار عاملی را مشابه نمونه‌های استرالیایی گزارش کرده و پایایی آن را در حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند (کیتامورا^۲ و سوزوکی^۳، ۱۹۹۳). در تحقیقی که در پاکستان انجام شد، اعتبار و پایایی قابل قبولی از سوی پژوهشگران این تحقیق گزارش شده است (کووادیر^۴ و همکاران، ۲۰۰۵). در پژوهش دیگری به وسیله‌ی کاپسی و کوکوکر^۵ (۲۰۰۶)، اعتبار و پایایی (دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۹۱) این پرسشنامه در کشور ترکیه را در سطح مطلوب گزارش کرده‌اند. مطالعه‌ی دیگری در جامعه‌ی چینی انجام گرفته که محققان آن، اعتبار این پرسشنامه را خوب ارزیابی کرده و یک وضعیت محتوایی چهار عاملی را پیشنهاد و آن را مطلوب دانسته‌اند (جیانگونگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۱). طبق نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی به شیوه‌ی مولفه‌های اصلی این پرسشنامه در ایران، نتایج از یک وضعیت محتوایی چهار عاملی حمایت کرده و اعتبار و پایایی (دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۵) این پرسشنامه در حد مطلوبی گزارش شده است (بهزادی، ۱۳۹۰).

اساساً این ابزار نه تنها در سنجش روابط والد-فرزندی کارآمد است، بلکه طبق تحقیقات انجام شده، سهم مهمی در تشخیص روابط والد-فرزندی و ارتباط آن با اختلال‌های روانی در مطالعات کلینیکی دارد. به‌طور مثال توجه پایین والدین و کنترل زیاد آنها با اختلال‌های روانی مختلفی مانند افسردگی (اهارا^۷ و همکاران، ۱۹۹۸)، اسکیزوفرنیا (ویلینگر^۸ و همکاران، ۲۰۰۲)، اضطراب (چامبرز^۹ و همکاران، ۲۰۰۴)، خودکشی در نوجوانان (ویولت^{۱۰} و آراتو^{۱۱}؛ فردنستین^{۱۱}

-
- 1- Mackinnon
 - 2- Kitamura
 - 3- Suzuki
 - 4- Qadir
 - 5- Jianghong
 - 6- Uehara
 - 7- Willinger
 - 8- Chambers
 - 9- Violato
 - 10- Arato

فردنستین^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و ... گزارش شده است. همچنین بین توجه مادر و آلکسی تاجمی (توربرگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۱) ارتباط قوی گزارش شده است.

بیشترین تحقیقات به‌وسیله‌ی این ابزار در جوامع غربی صورت گرفته و ساختارهای دو و سه عاملی را گزارش کرده و از اعتبار مناسبی برخوردار بوده است و همین نتیجه در جوامع شرقی با ساختارهای دو، سه و چهار عاملی و اعتبار قابل قبولی نیز دیده شده است. هدف از پژوهش حاضر این است که آیا این ابزار در جامعه‌ی ما که یک جامعه‌ی شرقی محسوب می‌شود نیز از اعتبار و پایایی مناسبی برخوردار خواهد بود؟ در شرایط فعلی و اهمیت روز افزون خانواده، چه بسا وجود یک ابزار جهان‌شمول و عاری از وابستگی‌های فرهنگی، کمک بیشتری به بهبود روابط خانوادگی نماید.

روش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی از نوع ابزارسازی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی پایه‌های سوم و پیش‌دانشگاهی شهر شیراز بود. گردآوری اطلاعات مورد نیاز طی دو مرحله و به فاصله‌ی یک هفته صورت گرفت. در بررسی اصلی ۳۴۰ نفر (۱۷۰ پسر و ۱۷۰ دختر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که از میان نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز و سپس در هر ناحیه از میان دبیرستان‌ها سه مدرسه دخترانه و سه مدرسه پسرانه انتخاب و سپس از هر مدرسه یک کلاس از پایه‌های سوم و پیش‌دانشگاهی انتخاب شد و به‌عنوان افراد تشکیل‌دهنده گروه نمونه مورد تحقیق قرار گرفتند.

ابزار سنجش

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌ی پیوند والدینی پارکر (۱۹۷۹) بوده و طی مراحل و ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی مورد مطالعه قرار گرفت. در ابتدا ابزار پیوند والدینی پارکر از متن اصلی به فارسی ترجمه شد. سپس، توسط یک متخصص زبان انگلیسی از فارسی به انگلیسی برگردانده شد تا از درستی نحوه‌ی بیان گویه‌ها اطمینان حاصل شود. بعد از طی این مراحل پرسشنامه‌ها در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت.

ابزار اندازه‌گیری پیوند والدینی (PBI) برداشت نوجوان از کنترل و توجه والدین را از اندازه‌گیری می‌کند. این ابزار از پاسخگویان می‌خواهد که برداشت حداکثر تا ۱۶ سالگی خود را از

1- Freudenstein

2- Thorberg

والدینشان گزارش کنند. پرسشنامه از ۲۵ عبارت تشکیل می‌شود که نوجوان می‌تواند میزان موافقت خود را با آنها با استفاده از مقیاس لیکرت (با نمره‌گذاری از ۰ تا ۳) نشان دهد. یک گروه از این عبارات به توجه "با به من مهربان بود" و گروه دیگر به کنترل "دوست داشت خودم در مورد مسائلم تصمیم بگیرم" مربوط‌اند. نمره‌ی بالا در مقیاس توجه به معنی آن است که والدین افرادی همدل، گرم، فهیم و دارای برخوردی دوستانه هستند. آنها معمولاً در کنار نوجوان حضور دارند، با او گفتگو می‌کنند و او را می‌فهمند. از سوی دیگر نمره‌ی پائین در این مقیاس نشان می‌دهد که والدین افرادی سرد و طردکننده‌اند؛ بدون آنکه منشا اثر باشند و توجه کافی به فرزندشان داشته باشند. در یک انتهای مقیاس کنترل، والدین با عباراتی نظیر حمایت‌کننده‌ی افراطی، عامل وابستگی و کودک‌ماندگی و نیز متجاوز و کنترل‌کننده توصیف می‌شوند و در انتهای دیگر طیف، والدین به فرزند خودمختاری می‌دهند. نمره‌ی بالا که به معنی کنترل افراطی است، یکی از عوامل خطرآفرین عمده به‌شمار می‌آید. برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که نمره‌ی بسیار پایین ممکن است نشانه‌ی بی‌تفاوتی والدین باشد (پارکر، ۱۹۹۰؛ به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). همانطور که در جدول ۱ دیده می‌شود، از ترکیب دو بعد آزمون پارکر چهار ربع دایره حاصل می‌شود. ترکیب کنترل کم و توجه زیاد معمولاً والدگری بهینه نامیده شده و مطلوب‌ترین ترکیب به‌شمار می‌آید؛ ترکیب کنترل زیاد و توجه زیاد محدودیت مهرآمیز نام گرفته است؛ کنترل زیاد و توجه کم کنترل غیر مهرآمیز خوانده شده و بدترین ترکیب خوانده می‌شود و ترکیب کنترل کم و توجه کم، اغلب اهمالگری خوانده می‌شود (پدرسون، ۱۹۹۴؛ به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). طبق گزارش پارکر و همکاران (۱۹۷۹)، سن آزمودنی‌ها برای پاسخگویی به این پرسشنامه، حداقل ۱۶ سال لحاظ شده است. نحوه‌ی نمره‌گذاری پرسشنامه‌ی پیوند والدینی پارکر و همکاران (۱۹۷۹) بدین‌گونه است که سوالات ۱-۵-۶-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۷-۱۹-۲۰-۲۳ به‌صورت کاملاً این‌طور بود: ۳، تقریباً این‌طور بود: ۲، تقریباً این‌طور نبود: ۱ و اصلاً این‌طور نبود: سوالات ۲-۳-۴-۷-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۲۱-۲۲-۲۴-۲۵ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

جدول ۱- از ترکیب دو بعد آزمون پارکر، چهار ترکیب حاصل می‌شود.

| کنترل زیاد | | کنترل کم | |
|------------|-----------------|--------------------|---------|
| توجه زیاد | محدودیت مهرآمیز | کنترل غیر مهرآمیز | توجه کم |
| | پیوند بهینه | والدگری اهمالگرانه | |
| کنترل کم | | | |

در بررسی‌های اولیه قابلیت شاخص‌های روانسنجی پرسشنامه پیوند والدینی توسط بهزادی (۱۳۹۰) در تحلیل عامل ساختار عاملی به شیوه‌ی مولفه‌های اصلی دو شاخص

نسبت KMO (فرم مادر: ۰/۸۸۴ و فرم پدر: ۰/۸۸۸) و آزمون بارتلت (فرم مادر: ۲۸۶۶/۳ و فرم پدر: ۲۹۲۰/۲) گزارش شد.

با استفاده از روش تحلیل عامل و به‌شیوه‌ی مولفه‌های اصلی، پرسش‌های پرسشنامه‌ی پیوند والدینی برای هر دو فرم پدر و مادر مورد ارزیابی قرار گرفت. در این بررسی، مسیر ماتریس دو تا پنج عاملی مورد ارزیابی قرار گرفته که بهترین ترکیب محتوایی به‌دست آمده با توجه به نمودار اسکری و درصد واریانس قابل تبیین، چهار عاملی بود. چهار عامل مستخرج از ماتریس همبستگی، همبستگی پرسش‌های پرسشنامه را در فرم مادر در مجموع ۵۰/۸٪ واریانس پرسشنامه و در رابطه با فرم پدر ۵۱/۱٪ واریانس پرسشنامه را پوشش می‌دادند. طبق نتایج حاصل از چرخش ماتریس چهار عاملی پرسشنامه پیوند والدینی (فرم مادر) به شیوه‌ی متعامد (واریماکس) براساس ماتریس مولفه‌های چرخش داده شده، گویه‌های ۱-۵-۶-۱۱-۱۲-۱۴-۱۷ بر روی عامل ۱ (عامل رابطه‌ی صمیمانه)، گویه‌های ۸-۹-۱۰-۱۳-۱۹-۲۰-۲۳ بر روی عامل ۲ (عامل تلاش برای وابستگی)، گویه‌های ۲-۴-۱۶-۱۸-۲۴ بر روی عامل ۳ (عامل بی تفاوتی) و گویه‌های ۳-۷-۱۵-۲۱-۲۲-۲۵ بر روی عامل ۴ (عامل تشویق به استقلال) قرار گرفته است. همچنین نتایج حاصل از چرخش ماتریس چهار عاملی به شیوه‌ی متعامد (واریماکس) بر اساس ماتریس مولفه‌های چرخش داده شده نشان می‌دهد که در فرم پدر گویه‌های ۱-۵-۶-۱۱-۱۲-۱۴-۱۷-۲۴ بر روی عامل اول (عامل رابطه‌ی صمیمانه)، گویه‌های ۸-۹-۱۰-۱۳-۱۹-۲۰-۲۳ بر روی عامل دوم (عامل تلاش برای وابستگی)، گویه‌های ۳-۷-۱۵-۲۱-۲۲-۲۵ بر روی عامل سوم (عامل تشویق برای استقلال) و گویه‌های ۲-۴-۱۶-۱۸ بر روی عامل چهارم (عامل بی تفاوتی) قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ برای عوامل به‌دست آمده و ضریب اعتبار این عوامل به شیوه‌ی بازآزمایی به فاصله‌ی یک هفته مورد بررسی قرار گرفت (بهزادی و همکاران، ۱۳۹۰).

تجزیه و تحلیل

اعتبار هم‌گرا بین عوامل چهارگانه فرم مادر و فرم پدر مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ آمده است. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود، بین عامل سه فرم مادر و عامل سه فرم پدر همچنین بین عامل چهار فرم مادر و عامل چهار فرم پدر همبستگی منفی مشاهده می‌شود، با این توضیح که سوالات تشکیل‌دهنده‌ی عامل سه (بی تفاوتی) در فرم مادر همان سوالات تشکیل‌دهنده‌ی عامل چهار (بی تفاوتی) در فرم پدر است. در مورد همبستگی منفی عامل‌های چهار فرم پدر و فرم مادر همین توضیح صدق می‌کند.

جدول ۲- همبستگی عوامل مقیاس پیوند والدینی در فرم مادر و فرم پدر

| رابطه عاطفی (مادر) | تلاش برای وابستگی (مادر) | تشویق به استقلال (مادر) | بی تفاوتی (مادر) | رابطه عاطفی (پدر) | تلاش برای وابستگی (پدر) | تشویق به استقلال (پدر) | بی تفاوتی (پدر) |
|--------------------------|--------------------------|-------------------------|------------------|-------------------|-------------------------|------------------------|-----------------|
| ۱ | | | | | | | |
| رابطه عاطفی (مادر) | ۰/۳۸** | | | | | | |
| تلاش برای وابستگی (مادر) | ۱ | ۰/۵۹** | | | | | |
| تشویق به استقلال (مادر) | ۰/۲۹** | ۱ | ۰/۳۸** | | | | |
| بی تفاوتی (مادر) | ۰/۳۵** | ۰/۴۶** | ۱ | | | | |
| رابطه عاطفی (پدر) | ۰/۴۱** | ۰/۲۵** | ۰/۳** | ۱ | | | |
| تلاش برای وابستگی (پدر) | ۰/۲۷** | ۰/۵۷** | ۰/۳۱** | ۰/۳۱** | ۱ | | |
| تشویق به استقلال (پدر) | ۰/۲۹** | ۰/۲۴** | ۰/۳۴** | ۰/۱۲** | ۰/۶۲** | ۱ | |
| بی تفاوتی (پدر) | ۰/۱۳** | ۰/۳** | ۰/۰۵ | ۰/۵۳** | ۰/۴۴** | ۰/۳۴** | ۱ |

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

همانگونه که در جداول ۳ و ۴ مشاهده می‌شود، به‌منظور آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین سازه‌ی نظری و سازه‌ی تجربی تحقیق از تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده از این روش، مهم‌ترین هدف تحلیل عامل تأییدی، یعنی تعیین میزان توان مدل عامل از قبل تعریف شده با مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده را تأیید می‌کند. همانطور که مشاهده می‌شود، همه گویه‌ها روی عامل‌های پیش‌بینی شده بار شده‌اند و ترکیب آنها عوض نشده است. شایان ذکر است که در این تحلیل، $X^2=287/42$ ، $P < 0/001$ و در فرم پدر $X^2=329/15$ ، $P < 0/001$ معنادار بود. این شاخص متناسب با تحلیل عامل بوده و ساختار ۴ عاملی مقیاس را تأیید می‌کند.

جدول ۳- محتوا و بار عاملی عوامل مستخرج از تحلیل عامل تأییدی - فرم مادر.

| بار عاملی | محتوا | بار عاملی | | | |
|-----------|--|-----------|---|---|---|
| | | | ۴ | ۳ | ۲ |
| | ۱- با من با لحن گرم و دوستانه صحبت می‌کرد. | ۰/۷۱ | | | |
| | ۵- به نظر می‌رسید که مشکلات و نگرانی‌های مرا درک می‌کند. | ۰/۵۷ | | | |
| | ۶- با من مهربان بود. | ۰/۵۹ | | | |
| | ۱۱- از گفتگو در باره مسائل با من لذت می‌برد. | ۰/۳۹ | | | |
| | ۱۲- اغلب به من لیخند می‌زد. | ۰/۷۱ | | | |
| | ۱۴- به نظر نمی‌آمد که نیازها و خواسته‌های من را درک کند. | ۰/۳۵ | | | |
| | ۱۷- زمانی که ناراحت بودم، می‌توانست حال مرا بهتر درک کند. | ۰/۶۰ | | | |
| | ۸- نمی‌خواست من بزرگ شوم. | ۰/۵۶ | | | |
| | ۹- سعی می‌کرد همه کارهای مرا کنترل کند. | ۰/۵۲ | | | |
| | ۱۰- به حریم خصوصی من تجاوز می‌کرد. | ۰/۴۷ | | | |
| | ۱۳- تمایل داشت که مثل یک بچه با من رفتار کند. | ۰/۶۴ | | | |
| | ۱۹- تلاش می‌کرد که به او وابسته باشم. | ۰/۵۴ | | | |
| | ۲۰- احساس می‌کرد که نمی‌توانم مواظب خودم باشم مگر این که او در کنارم باشد. | ۰/۶۶ | | | |
| | ۲۳- بیش از حد مواظب من بود. | ۰/۶۳ | | | |
| | ۲- به اندازه‌ای که نیاز داشتم به من کمک نمی‌کرد. | ۰/۵۴ | | | |
| | ۴- از لحاظ عاطفی نسبت به من، سرد به نظر می‌رسید. | ۰/۶۷ | | | |
| | ۱۶- به من این احساس را می‌داد که دوست داشتنی نیستم. | ۰/۶۵ | | | |
| | ۱۸- زیاد با من صحبت نمی‌کرد. | ۰/۴۸ | | | |
| | ۲۴- من را تحسین نمی‌کرد. | ۰/۴۰ | | | |
| | ۳- به من اجازه می‌داد کارهایی که دوست داشتم، انجام دهم. | ۰/۵۲ | | | |
| | ۷- دوست داشت خودم درباره مسائل تصمیم بگیرم. | ۰/۴۰ | | | |
| | ۱۵- اجازه می‌داد که خودم در مورد مسائل تصمیم بگیرم. | ۰/۵۷ | | | |
| | ۲۱- به اندازه‌ای که می‌خواستم به من آزادی می‌داد. | ۰/۷۶ | | | |
| | ۲۲- به من اجازه می‌داد هر وقت که می‌خواستم بیرون بروم. | ۰/۵۵ | | | |
| | ۲۵- به من اجازه می‌داد که به دلخواه خودم لباس بپوشم. | ۰/۵۶ | | | |

عبارت

رابطه صمیمانه

تلاش برای وابستگی

بی‌تفاوتی

تشویق به استقلال

جدول ۴- محتوا و بار عاملی مستخرج از تحلیل عامل تأییدی- فرم پدر.

| عامل | محتوا | عامل | | | |
|-------------------|--|------|---|---|---|
| | | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| رابطه صمیمانه | ۱- با من با لحن گرم و دوستانه صحبت می‌کرد. | ۰/۶۰ | | | |
| | ۵- به نظر می‌رسید که مشکلات و نگرانی‌های مرا درک می‌کند. | ۰/۵۹ | | | |
| | ۶- با من مهربان بود. | ۰/۵۲ | | | |
| | ۱۱- از گفتگو در باره مسائل با من لذت می‌برد. | ۰/۴۹ | | | |
| | ۱۲- اغلب به من لبخند می‌زد. | ۰/۶۰ | | | |
| | ۱۴- به نظر نمی‌آمد که نیازها و خواسته‌های من را درک کند. | ۰/۳۷ | | | |
| | ۱۷- زمانی که ناراحت بودم، می‌توانست حال مرا بهتر درک کند. | ۰/۷۴ | | | |
| | ۲۴- من را تحسین نمی‌کرد. | ۰/۳۸ | | | |
| تلاش برای وابستگی | ۸- نمی‌خواست من بزرگ شوم. | ۰/۵۵ | | | |
| | ۹- سعی می‌کرد همه کارهای مرا کنترل کند. | ۰/۴۳ | | | |
| | ۱۰- به حریم خصوصی من تجاوز می‌کرد. | ۰/۵۴ | | | |
| | ۱۳- تمایل داشت که مثل یک بچه با من رفتار کند. | ۰/۶۲ | | | |
| | ۱۹- تلاش می‌کرد که به او وابسته باشم. | ۰/۶۰ | | | |
| | ۲۰- احساس می‌کرد که نمی‌توانم مواظب خودم باشم مگر این که او در کنارم باشد. | ۰/۶۲ | | | |
| تشویق به استقلال | ۲۳- بیش از حد مواظب من بود. | ۰/۶۱ | | | |
| | ۳- به من اجازه می‌داد کارهایی که دوست داشتم، انجام دهم. | ۰/۶۳ | | | |
| | ۷- دوست داشت خودم درباره مسائل تصمیم بگیرم. | ۰/۴۸ | | | |
| | ۱۵- اجازه می‌داد که خودم در مورد مسائل تصمیم بگیرم. | ۰/۵۱ | | | |
| | ۲۱- به اندازه‌ای که می‌خواستم به من آزادی می‌داد. | ۰/۷۵ | | | |
| | ۲۲- به من اجازه می‌داد هر وقت که می‌خواستم بیرون بروم. | ۰/۶۴ | | | |
| بی تفاوتی | ۲۵- به من اجازه می‌داد که به دلخواه خودم لباس بپوشم. | ۰/۵۱ | | | |
| | ۲- به اندازه‌ای که نیاز داشتم به من کمک نمی‌کرد. | ۰/۵۲ | | | |
| | ۴- از لحاظ عاطفی نسبت به من، سرد به نظر می‌رسید. | ۰/۶۶ | | | |
| | ۱۶- به من این احساس را می‌داد که دوست داشتنی نیستم. | ۰/۶۲ | | | |
| | ۱۸- زیاد با من صحبت نمی‌کرد. | ۰/۴۲ | | | |

بحث و نتیجه‌گیری

عوامل به‌دست آمده با توجه به محتوای گویه‌ها و مفهوم مشترک استخراج شده از هر عامل نامگذاری شد. عامل اول: رابطه‌ی صمیمانه؛ عامل دوم: تلاش برای وابستگی؛ عامل سوم: تشویق به

استقلال و عامل چهارم: بی تفاوتی برای فرم پدر و برای فرم مادر. همین ترتیب در عامل‌های اول و دوم و ترتیب معکوس عامل‌های سوم و چهارم صدق می‌کند. توصیفات مربوط به این عوامل در جدول (۵) قابل مشاهده می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از تحلیل عامل تاییدی با بررسی اعتباریابی این پرسشنامه به شیوه‌ی مولفه‌های اصلی که یک وضعیت محتوایی چهار عاملی با همین ساختار را گزارش کرده بود (بهزادی، ۱۳۹۰)، همخوانی دارد.

جدول ۵- تبیین و توصیف عامل‌های گوناگون پرسشنامه پیوند والدینی

| | |
|---|----------------------|
| والدین افرادی گرم، با برخوردی دوستانه، فهیم، مهربان و خوشرو در ارتباط با فرزندان خود هستند. آنها معمولاً در کنار نوجوان حضور می‌یابند و با او گفتگو می‌کنند و او را می‌فهمند. | ۱- رابطه صمیمانه |
| والدین افرادی هستند که حمایت‌کننده افراطی، عامل وابستگی و کودک ماندگی و نیز متجاوز و کنترل‌کننده‌اند. | ۲- تلاش برای وابستگی |
| والدین فرزندان خود را به استقلال تشویق می‌کنند. | ۳- تشویق به استقلال |
| والدین، افرادی سرد و طردکننده‌اند، بدون آنکه منشا اثر باشند و توجه کافی به فرزندشان داشته باشند. | ۴- بی تفاوتی |

همانگونه که در بخش‌های قبلی اشاره شد، ساختار عاملی نسخه اصلی که در شهر سیدنی استرالیا توسط پارکر (۱۹۷۹) انجام شده بود، شامل دو عامل توجه و کنترل (یا حمایت افراطی) می‌باشد. در مطالعه‌ی دیگری توسط کویس^۱ و همکاران (۱۹۸۹) در ناحیه‌ای بنام هانتز^۲ در استرالیا، ترکیب سه عاملی از این پرسشنامه گزارش شد. همچنین گومز بنتو^۳ (۱۹۹۳)، مورفی^۴ و همکاران (۱۹۹۷) و کووادی و همکاران (۲۰۰۵) در پاکستان در پژوهش‌هایی که انجام دادند، ترکیبی سه عاملی را گزارش نمودند. کووادی و همکاران (۲۰۰۵)، عوامل به‌دست آمده را با عناوین توجه، حمایت افراطی و تشویق به خودمختاری نامگذاری کردند. در مطالعه‌ای که توسط کاپسی و کوکوکر (۲۰۰۶) در ترکیه انجام شد، یک ترکیب دو عاملی مطابق با تقسیم‌بندی پارکر گزارش شده است. در جدیدترین تحقیقات توسط جیانگونگ و همکاران (۲۰۱۱) در چین، وضعیت محتوایی مطلوب برای این پرسشنامه چهار عاملی گزارش شده است.

- 1- Cubis
- 2- Hunter
- 3- Gomes-beneyto
- 4- Murphy

نتایج پژوهش حاضر در ایران نشان داد که در بررسی دو عاملی، تا حدودی همخوانی با نسخه اصلی در مطالعه پارکر (۱۹۷۹) در قرار گرفتن گویه‌ها در یکی از عامل‌های توجه و کنترل وجود دارد. شایان ذکر است که با توجه مقدار واریانس تبیین شده و نمودار اسکری، بهترین ترکیب محتوایی حاصل از وضعیت چهار عاملی بود. با استناد به ماتریس همبستگی چرخش یافته، هر یک از گویه‌ها در یکی از چهار عامل به دست آمده قرار گرفته و گویه‌ای که فاقد بار عاملی باشد، در میان گویه‌ها مشاهده نشد. هر چند گویه‌های مقیاس به گونه‌ای نسبتاً جدیدی بر روی چهار عامل بار شدند، اما الگوی به دست آمده الگویی منطقی و سازگار با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ماست. تحقیقات انجام شده در جوامع مختلف نشان می‌دهد که این پرسشنامه بسته به جامعه‌ای که در آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد، عامل‌های به دست آمده متغیر خواهد بود و گویی خود را با ویژگی‌های آن جامعه همسو می‌کند.

همچنین به منظور آزمون میزان انطباق و هم‌نوایی بین سازه‌ی نظری و سازه‌ی تجربی تحقیق از تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این روش، مهم‌ترین هدف تحلیل عامل تأییدی، یعنی تعیین میزان توان مدل عامل از قبل تعریف شده با مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده را تأیید می‌کند.

به نظر می‌رسد روابط والد-فرزندی در جامعه‌ی ایرانی با جزئیات و قدرت تفکیک ارزیابی بیشتری از سوی افراد برخوردار است. از آنجایی که کشور ایران، کشوری شرقی محسوب می‌شود و طبیعتاً فرهنگی جمع‌گرا در مقابل استقلال‌گرایی جوامع غربی را داراست، بالطبع روابط خانوادگی نزدیک‌تری در جامعه حکم فرماست. از این‌رو عامل‌های توجه و کنترل در این پرسشنامه هر کدام به دو قسمت تفکیک شده و رفتارها را با ملاک‌های خردتری مورد ارزیابی قرار داده‌اند. به علاوه کشور ایران جامعه‌ای مسلمان بوده و بی‌شک از سبک تربیتی اسلامی متأثر می‌باشد و طبق آموزه‌های اسلامی پدر و مادر تمایل بیشتری دارند که در جزئیات کارها، رفتارها و احساسات و ... فرزندان خود قرار گیرند. همچنین کمتر شدن تعداد فرزندان در خانواده‌های امروزی، روابط تقسیم شده بیشتری را در روابط والد-فرزندی برقرار می‌سازد.

این پرسشنامه دارای گویه‌هایی کوتاه و واضح است که هیچ‌کدام از گویه‌ها مشخص‌کننده فرهنگ یا وضعیت رفتاری و نگرشی خاصی نیست. لذا پاسخگویان در مقابل آن دچار سردرگمی و یا احساس بیگانگی با حالت بیان شده توسط گویه‌ها نمی‌شوند. در تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، اینکه گویه‌ها در حالتی قرار گیرند که بر روی یکی از عامل‌ها بار نشوند و یا به صورت بار متقاطع ارزیابی شوند، یا اصلاً گزارش نشده یا به ندرت با تعداد یک یا دو گویه گزارش شده است. این مسئله گویای این است که اگرچه ممکن است در جوامع مختلف تعداد عامل‌های حاصل به یک اندازه

گزارش نشود، اما گویه‌ها از نظر مفهومی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بسته به جامعه، فرهنگ و سایر تفاوت‌های اجتماعی و مذهبی و ... در عاملی قرار گیرند که با آن جامعه خاص همسو باشند. در واقع این امر نمایانگر انعطاف‌پذیری این پرسشنامه می‌باشد.

یکی دیگر از نتایج تجزیه و تحلیل به روش تحلیل عامل این بود که سؤال شماره ۲۴ (من را تحسین نمی‌کرد) در تقسیم‌بندی بارهای عاملی، در فرم مادر جزء عامل "بی‌تفاوتی" و در فرم پدر جزء عامل "رابطه‌ی صمیمانه" قرار گرفت. به‌نظر می‌رسد رفتار "تحسین کردن" از سوی پدر و مادر با برداشت‌های متفاوتی از سوی فرزندان همراه است، چنانچه رفتار تحسین کردن یا نکردن از سوی پدر به عنوان نوعی از راه‌های برقراری رابطه‌ی صمیمانه از سوی فرزندان ارزیابی می‌شود، حال آنکه انجام ندادن همین رفتار از سوی مادر به‌عنوان نوعی بی‌تفاوتی از سوی فرزندان تلقی می‌شود. در توجیه این مطلب می‌توان عنوان کرد که مادر در روابط خانوادگی به‌دلیل مدت زمان بیشتری که با فرزندان سپری می‌کند، بیشتر در جزئیات امور و رفتارهای فرزندان قرار دارد و واکنش‌های جزئی‌تری را در تعاملات والد-فرزند ایجاد می‌کند. در این سطح از روابط مادر-فرزند، انتظارات فرزندان از نوع رفتار مادر افزایش یافته و "تحسین نکردن" مادر را نوعی از رفتار بی‌تفاوتی او تلقی می‌کنند. از طرف دیگر پدران بیشترین وقت خود را در بیرون از خانه سپری می‌کنند و فارغ از اینکه همسرانشان شاغل باشند یا نه، باز هم در مقایسه با مادر، وقت کمتری را با فرزندان سپری می‌کنند؛ در نتیجه انتظارات فرزندان خودبه‌خود نسبت به پدرشان کاهش می‌یابد و در صورت "تحسین شدن" از سوی پدر، آن را نشانه‌ای از نوعی برقراری رابطه صمیمانه می‌دانند. این فرآیند به خصوص در جامعه‌ی ما که هنوز وظایف و شغل‌ها در سطح بالایی از تفکیک جنسیتی قرار دارد، بیشتر قابل توجیه است. بدین ترتیب که برقراری رابطه‌ی گسترده‌ی مادر-فرزند، جزئی از وظایف مادران محسوب شده، از طرفی صرف وقت کمتر از سوی پدران در جریان رابطه‌ی پدر-فرزندی امری طبیعی تلقی می‌شود.

از آنجایی که این پرسشنامه دارای دو فرم جداگانه برای ارزیابی پدر و مادر است و نتایج قابل توجهی در پی داشته است، لذا می‌توان از آن برای ارزشیابی والدین، به‌خصوص در زمینه‌ی ارزیابی رفتار پدران در متغیرهای مختلف، به نقش آنها در روابط والد-فرزندی و سایر زمینه‌ها پی برد. از سویی نتایج تحقیقات در جوامع مختلف نشان می‌دهد که نحوه‌ی ارتباط والد-فرزندی با بسیاری از اختلالات روانی رابطه دارد. چه بسا تحقیقات بیشتر در این زمینه، راهگشای پیشگیری از چنین مشکلاتی در افراد باشد.

منابع

- برک، لورای (۱۳۸۵)، *روانشناسی رشد*، ترجمه یحیی سید محمدی، جلد دوم، نشر ارسباران، تهران.
- بهزادی، بهناز (۱۳۹۰)، *بررسی کفایت روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه پیوند والدینی پارکر در جمعیت دانش‌آموزی*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- بهزادی، بهناز و سروق، سیروس و سامانی، سیامک (۱۳۹۰)، *کفایت روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه پیوند والدینی پارکر در جمعیت دانش‌آموزی*. مقاله ارائه شده در کنگره روانشناسی خانواده.
- رایس، فیلیپ (۱۳۸۷)، *رشد انسان*، ترجمه مهشید فروغان، انتشارات ارجمند، تهران.
- رضائی، ولی الله و شمس اسفند آباد، حسن و طهماسبی، شهرام (۱۳۸۶)، *بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان*، مجله پژوهش در سلامت روانشناختی، صص ۳۹-۴۷.
- زاده محمدی، علی و ملک خسروی، غفار (۱۳۸۵)، *بررسی مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD)*، فصلنامه خانواده‌پژوهی، صص ۶۹-۸۹.
- سپاه منصور، مژگان و شهابی زاده، فاطمه و خوشنویس، الهه (۱۳۸۷)، *ادراک دلبستگی کودک، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا، فصلنامه روانشناسان ایرانی*، سال چهارم، ۱۵، صص ۲۵۳-۲۶۵.
- قربانی، نیما (۱۳۸۲)، *روان‌درمانگری پیشی کوتاه مدت*، انتشارات سمت، تهران.
- گودرزی، محمدعلی و زرنقاش، میتا و زرنقاش، مریم (۱۳۸۳)، *برداشت افراد سوء مصرف کننده مواد از الگوهای انضباطی والدین، فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال دهم، ۳، صص ۲۴۱-۲۴۹.
- ماسن، پاول هنری و کیگان، جروم و هوستون، کارول آلتا و کانجر، جان جین وی (۱۳۸۵)، *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه مهشید یاسایی، کتاب ماد وابسته به نشر مرکز، تهران.
- Ainsworth MDS, Blehar M, Waters E. et. al. (1978). *Patterns of attachment*. Hillsdale NJ: Erlbaum.
- Arriandell WA, Periss H, Eisemann M, Van Der End J and Von Knorring L. (1986). Cross – national invariance of dimension of parental rearing behavior: comparisons of psychometric data of Swedish depressives and healthy subjects with Dutch target ratings on the EMBU. *Br J psychiatry*, 148: 305-309.
- Arriandell WA, Hanewald GJFP and Kolk AM. (1989). Cross-national constancy of dimensions of parental rearing style: The Dutch version of the parental bonding instrument (PBI). *Person Individual Diff*. 10: 949-956.
- Chambers, JA. Power, KG. Durham, RC. (2004). Parental styles and long-term outcome following treatment for anxiety disorders. *Clin Psychol Psychotherapy*, 11; 187-198.
- Cubis J, Lewin T, Dawes F. (1989). Australian adolescents' perceptions of their parents. *Aust N Z J Psychiatry*. Mar;23(1):35-47.
- Freudenstein, D. Zohar, A. Apter, A. Shoval, G. Weizman, A. Zalsman, G. (2011). Parental Bonding in severely suicidal, Adolescent inpatients original research Article. *European Psychiatry*. 26 (8); 504-507.
- Gómez-Beneyto M, Bonet A, Català M, Puche E, Vila V. (1994). Prevalence of Mental Disorders Among Children in Valencia, Spain. *Acta Psychiatry Scand*. 89:352-357.

- Gul Kapci, E. Kucuker, S. (2006). The parental Bonding Instrument: Evaluation of its psychometric properties with Turkish university students. *Turk psikiyatri Dergisi*, 17 (4), 1-10.
- Jianghong, Lio. Libo, Li. Fan, Fag. (2011). Psychometric properties of the Chinese version of the parental bonding instrument, *International Journal of the Nursing studies*, 48 (5); 582-589
- Kazarian SS, Baker B and Helmes E. (1987). A parental bonding instrument: Factorial structure. *Br J Clin Psychol*. 26: 231-232.
- Kitamura, T and Suzuki.(1993). A validation study of the parental bonding instrument in a Japanese population. *The Japanese Journal of Psychiatry and Neurology*, 47 (1); 29-36.
- Maokinnon Ad, Henderson AS, Scott R, and Dancan-dones P. (1989). *The parental bonding Instrument (PBI): an epidemiological study in a general population sample*. Psycho med.
- Murphy E, Brewin CR, Silka L. (1997). The assessment of parenting using the parental bonding instrument: two or three factors? *Psychol Med*. 27(2):333-342.
- Parker G, Tupling, H and Brown LB. (1979). A parental bonding instrument. *Br J Med Psychol*. 52: 1-10.
- Qadir, F.Stewart, R, Khan, M. et al. (2005). The validity of the parental bonding instrument as a measure of maternal bonding among young Pakistani women. *Soc Psychiatr Epidemiol*, 40; 276-282.
- Thorberg, F, A. Mcd, R. Young, K, Sullivan, A. Lyvers, M. (2011). Parental bonding and alexithymia: A meta-analysis. *European Psychiatry*, 26 (3); 187-193.
- Uehara, T, Sato, T. Sakado, K. et al. (1998). Parental Bonding Instrument and the inventory to diagnose depression lifetime version in a volunteer sample of Japanese workers. *Depr Anxiety*, 8; 65-70.
- Willinger, U. Heiden, AM. Meszaros, K. et al. (2002). Schizophrenia and schizoaffective disorder, considering premorbid personality traits. *Austr New Zeal J Psychiatry*, 36; 663-668.